



## آقای بیات

آیا معنی خدمات دیوانه وار شما همین است !؟



# آقای نخست وزیر

## با توقیف جراید آزادیخواه مسند خود را واژگون خواهید کرد

روزنامه‌ها... روزنامه‌های که مصلح اجتماعند؛ روزنامه‌هایی که زبان مردمند؛ روزنامه‌هایی که برای پیشرفت آرمانهای ملی کوشش می‌کنند؛ روزنامه‌هایی که راه غیر و صلاح را بدولت به مجلس؛ به مردم؛ نشان میدهند این روزنامه‌های آزادی طلب چه گناهی دارند که باید بایک تلفن خصوصی توقیف شوند، و بایک امر جزئی از توقیف خارج گردند!

در کدام خراب شده‌ئی رسم است که بدون حکم رسمی حکمه روزنامه‌ئی را از هستی ساقط کنند و به فرمان مبارک بیسواد لایشرعی توقیف نمایند در کدام مملکت ازهم باشیده‌ای این بدعت را گذارده‌اند که بایک ضربه خیانتکارانه آئینه افکار عمومی ملت را خورد کنند و از اعمال خلاف قانون خود کیف و لذت برند!

خراب شود این جهنم دره‌ئی که همه چیز افراد آن ملعونه و بازیچه دست ناکسان است...

### گفتار پاسبان

چرا نامه شهربانی، یک نامه مستغلی نیست؟

نامه شهربانی هنوز دست از رویه خود بر نداشته و ستون کلامی گفتار پاسبان را بموجب امر یکی از کله‌کنده‌های شهربانی می‌نویسد و همانطوریکه متذکر شدیم راه و رسم زورگویی سیستم مرحوم مختاری را بیاسپانسان بسام میدهد!

ما به آن کله‌کنده صاحب نفوذ می‌گوییم که نفع اجتماع همیشه بالاتر از وظیفه دوستی «۱» است ارزش مختاری هر چند باشد، کوچک تر از آن است که صفحات یک روزنامه را که حقاً باید مستقل باشد آورده ساخت، دستورات شما علاوه بر آنکه نقش بر آب است، برای پاسبانان زبان فهم و بی سواد مملکت شاهنشاهی نتیجه منفی دارد!

\*\*\*

آقای نخست وزیر - به بخشید - جناب آقای بیات نخست وزیر محترم هم‌مالک محروسه ایران روی سخن ما باشخص حضرت مستطاب عالی است!

شما نمی‌توانید با قطع زبان ملت باشکستن قلم ملت، با ازین بردن افکار ملت، با اختناق آزادی و توقیف جراید کاری از پیش ببرید!

شما اگر نمی‌خواهید این اصل مسلم و تردید ناپذیر را قبول کنید، به دوران زمامداری اسلاف عظیم ایشان «۱» خودمرا چه نمایید، به تعقیب برگرزید و نگاه کنید، ببینید، ببینید آنهایی که با مطبوعات در افتاده‌اند، آنهاییکه روی امیال و خواهشهای نفسانی بنچه در بنچه جراید افکنده‌اند، باچه سرعتی باچه شدتی؛ باچه تنفری از کاربرد کنار شده‌اند؛ و چگونگی از کاخ باشکوه ایض؛ از بالای مسند گرم و آسمان جاه نخست وزیری، به گوشه متروک انزوا، به زوایای نیستی و فراموشی پرتاب گردیده‌اند!

جناب آقای بیات...

شما بجای اینکه از «کرتیک» و انتقادات بیغرضانه مطبوعات عصبانی شوید؛ بجای اینکه حکم قصابی آنها را بدون تفکر؛ بدون تمق؛ بدون عاقبت اندیشی؛ صادر نمایید بجای اینکه برای پایدار ماندن مسند نخست وزیر دست به دامن اداره ننگین تبلیغات و مضافات علیه «۱» بزنید، بروید، فکر کنید و به بینید چرا مطبوعات ملی باشما باحکومت شما، باروش شما، با مرام شما، با اعمال شما، با گفتار

### برو

روزی که دلم بیش دلت بود گرو دامن مرا سخت گرفتگی که نرو امروز که دلت جای دگر باخته‌می کفش کج ماراست نمودی که برو؟ «۱»

## بین البرقین!

رقابت عجیب و شکفت آمیزی بین برق مرحوم حاجی امین الضرب که مردم را روشن کردن شمع ا و ادار می‌کند و در پائین شهر چند نفر بیچاره از همه جایی خبر را به نقله شدن و امیدارد و برق دموکرات تهران که در ظرف بیست و چهار ساعت فقط دو ساعت روشن است و امروز فردا ارباب خود را به آمریکا روانه خواهد کرد، بوجود آمده است، و بیچاره اهالی تهران در این «بین البرقین» امیدانند چه خاکی بسرشان بریزند و چگونه از شر یک مشت ملپونر گذاراحت شوند؟ مگر خدا خودش رحمی بحال ملت سیه روز ایران نماید...

شما، مخالفت می‌کنند؟ به بینید چرا شما را یکشخص مستبد و خودپستند فرض مینمایند، آنوقت ملتت خواهید شد گناه از آئینه نیست که عیب شما را نشان میدهد، بلکه شما واجده‌اند عیوب هستید!

\*\*\*

جناب آقای نخست وزیر! فکر کنید و ببینید که آیا بر استی حق نداریم شما را از ترور افکار عمومی و اختناق آزادی و قصاصی مطبوعات منع نماییم؟ فکر کنید...

## اعلام جرم

### بر علیه آقای بیات توقیف جراید بکجا می‌گشود؟

مجلس شورای ملی یکی از مظاهر برجسته حکومت دموکراسی محترم شدن حقوق فردی و اجتماعی افراد ملت است در حکومت مشروطه اشخاص در برابر قانون متساوی الحقوق هستند و هر کس برخلاف قانون مرتکب عملی شد مورد تعقیب قانونی قرار می‌گیرد این اصول امروز بقدری واضح و روشن و مورد قبول دولتهای دموکراتیک است که جزء بدیهیات بشمار میرود با این تفصیل آقای مرتضی قلی بیات نخست وزیر فعلی بر خلاف اصول و موازین قانونی دستور توقیف روزنامه (کشور) را صادر نموده و قریب دوماه است این روزنامه در حال توقیف غیر قانونی است و با اینکه فرماندار نظامی تهران طی نامه شماره ۵۹۷۰ مورخ ۱۹ آذرماه بنخست وزیر ابلاغ میکند که توقیف این روزنامه مجوزی ندارد و در پیرو آن در تاریخ ۲۰ دیماه باردیگر فرماندار جدید نظامی طی عطف بشماره قبل آقای نخست وزیر را یادآور می‌شود که این روزنامه برخلاف قانون توقیف است با اینحال آقای بیات اجازه رفع توقیف نداده و بدو نامه فرمانداری نظامی بهیچوجه پاسخ داده نشده است در نتیجه مبالغه‌گفتی زبان مادی با اداره روزنامه کشور وارد آمده که از نظر حقوقی بهادگاه صلاحیتدار بر علیه آقای نخست وزیر دادخواست تقدیم خواهم داشت لیکن از نقطه نظر جزائی عمل چون اقدام آقای بیات دایر بتوقیف روزنامه کشور بموجب ماده ۸۳ قانون مجازات عمومی جرم محسوب می‌شود و مرتکب میبایستی از شغل خود منفصل و از پنج تا ده سال از حقوق اجتماعی محروم گردد لذا از پیشگاه مجلس شورای ملی تقاضای سلب اعتماد از دولت بیات را داشته و انفصال شخص او را نیز خواستار و با این اعلام جرم تعقیب قانونی آقای نخست وزیر را خواهانم تا در آینده کسی پیدا نشود که از مقام خویش سوء استفاده و حقوق فردی و اجتماعی افراد را سلب و آزادی مطبوعات را تهدید نماید.

با تقدیم احترام مدیر روزنامه کشور - جلالی نائینی

### غارتگری حشمت الممالک

درفارس ادامه دارد

در شماره های گذشته تلگرافهای دهقانان فارس را در ستونهای این روزنامه بچاپ رساندیم و بدولت بیات تذکر دادیم بداد مردم شهرستانها برسد و نگذارد طبقه رنجبر و دهکمان طعمه مشت ز الوصف استعمار کننده واقع شوند طبق شکایاتی که با زهم از رعایای فارس رسیده هنوز دولت در این باره اقدامی بعمل نیاورده و با این طرز رفتار ، مردم را از هیئت حاکمه و حکومت مرکزی مأیوس ساخته است چه مانی دارد که یک هیئت بازرسی مرکب از اشخاص برجسته و کاردان و صالح و مورد اعتماد صوم بشیر از خطه فارس اعزام گردد تا بشکایات اهالی رسیدگی کرده و از نزدیک بدرد دلشان برسد .

ما معتقدیم دولت مرکزی نباید تا این اندازه خون سردی نشان داده و جلوی یکمشت بیوطن استفاده چی را رها کرده تا هر چه میتواند بینویان و بدبختان را بچاپند .

امروز در هیچ جای دنیا وضع حقیر رنجبر و زحمتکش باندازه مردم رنجبر ایران رفت آور نیست و مسلم است ادامه این روش بملاح و صرفه مملکت و ملت نخواهد بود

**دولت موظف است بیدرنگ هیئتی بفارس بفرستد و عملیات غارتگری که مسلحانه رعایای فارس را از هستی ساقط نموده اند بازرسی کند و آنها را شدیداً مورد تعقیب قرار دهد**

اگر در این امر مسامحه نماید بدون شک باید منتظر حوادث ناگواری بود اینکه عقل و منطق و عدالت حکم میکند که بستمگران نباید اینقدر فرصت داد که کارد باستانخوان مردم مظلوم برسد و کاسه صبرشان لبریز گردد

### استخدام میشوند

**آرایشگاه آبرام** واقع در چهار راه کنت بدو نفر کارگزن احتیاج دارد و ضمناً همه گونه وسایل پذیرائی مشتریان معترتم را فراهم آورده است . برای آزمایش یکبار مراجعه فرمایند

### یک ضرر به دیگر

بروح کارمندان ؛ چا ت از طرف

دارائی دارالحکومه تهران به تمام دوائر تابعه و لاحقہ دستور داده شده در صورتیکه کارمندان برای شرکت در مهمانیها دعوت شوند مجاز نیستند بدون اجازه و اطلاع و موافقت و دست بوسی قبلی رؤسای خود در دعوتها حضور بهم رسانند !

\*\*\*

شمار بغداد به این طرز فکر و به این دستوردیکتا نور ما به غنچه تان نمیگیرد !

بیچاره کارمندان وزارت دارائی و بیچاره آنکسانیکه در زیر دست یک مشت مردم خود خواه مبتکر و مستبد الرای محکوم به اطاعت هستند !

### کلانتری ده

کلانتری ده ، یعنی مرکز شرارت و عیاشی ، کانون فساد و ناامنی ، محل هرزگی و فحاشی ، بشخص نالایقی سپرده شده که صدها نامه شکایت و استرحام از او بشقتر اداره ما واصل گردیده است

معلوم نیست چرا در تمویض کلانتر های سایر بخشهای تابعه اینقدر سماجت و پافشاری بشرح داده اند و یک شیر پاک خورده می پیدانند بحساب این عنصر رشوه خوار و بد سابقه رسیدگی کند و او را از این محل بی نظیر ناندانی براند .

ما انتظار داریم هر چه زودتر رئیس کلانتری ده را تمویض نموده و پیش از این نسبت به افکار عمومی ساکنین بخش ده بی اعتنا نباشد .

### فرار

ماگومی رئیس غله خراسان پس از اینکه میلیونها ریال پول دولت و را به جیب میزند مثل اغلب دزدان چمدان خود را بسته و از مشهد فرار می کند .

قضیه اختلاس و رشوه گیری او تحت تعقیب است ولی گویا ماگومی در تهران مشغول دید و باز دید صاحب نفوذان است که قضیه را از راه ماست مالیزاسیون بر طرف نماید .



— ۴۰ —

### « این فرشته آسمانی بر از »

من نگاه کردم ، بایک حالت خون سردانه می که کمتر در خود سراغ داشتم ، و بدون اینکه نگاهم را از روی او بردارم

« او ! یکدرد دیگر ، یکدرد التیام نا پذیر دیگر برای قلب من ! راستی خانم چه داروی شفادهنده برای من تهیه کرده اید ؟

این فرشته های ظاهر ساز هر بندگان ، پست فطر تمد ، خوش خواه

در ت اقلب

براز عاطفه نیست ؛ ارتعاشات این قلب راهم کس دارد ؛ هیچکدام از دختران امروزی ؛ دخترانی که خود را فهمیده و لایق میدانند ؛ بزرگ میدانند ، صاحب عقل و ادراک میدانند قابل دوستی نیستند ؛ قابل محبت و علاقه نیستند ؛ اینهارا باید انداخت دور ! اینهارا باید از جامعه طرد کرد ؛ جامعه احتیاجی بوجود اینها ندارد ، جامعه یکمادر وظیفه شناس میشود ، نه یک دختر چلف ؛ نه یک دختر سر بهوا !

شما چرا میخواهید سندی بدهی مرا با دستهای خودم ، بادستهای مرتشم ، امضاء کنید ؟

این دختر ، با بقول شما ، این فرشته آسمانی بچه دردمن میشود کدامیک از احساسات مرا درک می کند ، تلاطم آرزوهای عاشقانه می که در سینه مرغ میدانم - خوب میدانم - که باشتا امیدی من خواهد شد ؛

او ، همانطور که به چشمان من نگاه میکرد ، و مثل اینکه آبیات بوالهوسی و بیقیدی را در آن میخواند ، آهسته گهت

« نه ! شما بشظا رفته اید ؛ پیرو فلسفه « شوینهاور » هستید ، آدم خوب نیست اینقدر بدبین باشد ؛ چه تصور می کنید ؛ اگر یک جلسه با او باشید ، مادام العمر بدبخت خواهید شد ؛ تصویری

انسان اگر یک شب باشیطانهم باشد ، صبح می تواند او را ترک کند ، این چه اندیشه خامی است که شما دارید ؟

### آماله قیام هستند !!



یکی از ورق باره های مزدور که سواق اداره کننده آن هیچگونه احتیاجی بمرقی ندارد، در روزنامه فسطلی شود از طرف یکمده آزادخواه قلبی که گویا تعداد آنها از دونه ونیم تجاوز نمی کند بنام آزادی و حکومت ملی تقاضا کرده است که روزنامه نسیم شمال را باتفاق چهار روزنامه دیگر توقیف نمایند تا آقایان بتوانند بدون هیچگونه مزاحمتی بکلاشی و وطن فروشی خود ادامه دهند؛ ای خاک بر سر آن کسانی که با داشتن هزار سابقه ننگین و مزدوری اجانب خود را آزادخواه ادواتشه معرفی مینمایند و با افکار پلید خود خیال اصلاح ایران را دارند!

مزدوران بیگانه پرست هر روز چهارصفحه بزرگ روزنامه مملو از مهملات بیرون میدهند بدون اینکه يك سطر آکپی داشته باشند، این روزنامه با حساب دقیق باکاغذ کیلویی سی ریال نرخ دولتی - با دویت و پنجاه تومان دستمزد چاپ، با داشتن کلیشه سانتی متری سی شاهی؛ با روزی صدتومان مضارح معاش روزانه مدیر و کارکنان آن، بیش از پانصد تومان هزینه بر میدارد.

اگر دو هزار نسخه از آن چاپ شود و تمامش هم بفروش برسد شاهی آن را بر روزنامه فروش میدهند و ده شاهی برای خود دخل بر میدارند. ما وقتی باین محاسبه دقیق نظر می افکنیم، می بینیم که آقایان آزادی خواهان «۱» روزی پانصد تومان برای مضارح خود و روزنامه لازم دارند، روزی پانصد تومان؛ یعنی ماهی ۱۵۰۰۰ تومان و سالی ۱۸۰ هزار تومان است!

این مضارح کمر شکن، این حاتم

#### از شنیدش غمگین و متاثر میشوید

تاجر ها: آلمان شکست خورد  
خانم ها: اداره آمار توسعه یافته  
مدیران سینما: موضوع صدی هشتادبه قوت خودش باقی است.  
مرد امروز: سهیلی نخست وزیر شد  
دلان گوین: قند و شکر آزاد شد.

خانهای ادارات: کلیه خانم ها را از ادارات بیرون خواهند کرد  
کارمندان ادارات: کمک های مالی حذف خواهد شد.

اشخاصی تریاکی: تریاکیها و شیربها را به بندر عباس تبعید میکنند

#### از شنیدنش خوشحال میگردند

آلمان پیشروی کرد  
اداره آمار منحل شد  
صدی هشتاد ملتی شد

سهیلی غزل خدا حافظی را خواند  
بازار گوین گرم شده است

از این بعد خانمها و کیل مجلس خواهند شد

حقوق ها دوبر خواهد شد

گوین تریاک ملتی و تریاک آزاد خواهد شد

غلامحسین - تهرانی

### باز هم کم خروس

روزنامه ئی که سه قران چاپ و کاغذ آن تمام میشود چگونهدشاهی دخل میگیرند

بخشی های عجیب و غریب، این دلسوزی های وطن پرستانه «۱» از کجایانمین می شود؟  
شما جواب بدهید، و قضیه نفت و مزدوری بیگانگان را هم در این محاسبه فراموش ننمایید!

#### تجارب گذشته

بمداز سقوط حکومت دیکتاتوری بجای اینکه سیاستون این کشور از تجارب گذشته عبرت بگیرند و به آزادیخواهان صدر مشروطیت تاسی کند و از یک سیاست به تمام معنی ایرانی پیروی نمایند، و بجای اینکه نطق و قلم، یعنی نهی را که در سایه مشروطیت تحصیل شده، در راه دفاع از مصالح ایران بکار برند و رشد ملی خود را بیجهانیان ثابت کنند، عده ای شمال و عده ای جنوب را قبله حاجات خود ساخته اند

«۵ کمتر مصدق»

#### رضا فرار کرد

رضا، دزد معروف اداره کل بخش که مورد تعقیب جدی این روزنامه بود و نخستین ضربه رسوائی او از طرف این روزنامه بعمل آمد پس از دستگیری شرکای جرم او، فرار کرده و اکنون متواری است! رضا بداند که پنجه قانون و عدالت او را دستگیر خواهد کرد و بیای میز محاکمه خواهد کشید. رضا بداند که حقیقت هرگز در زیر پرهای سیاه شارلاتانی و حقه بازی مستور نخواهد ماند...

رضا بداند که باید کیفر اعمال بلیدانه خود را پس بدهد!

ما هفته دیگر تمام دزدبهای او را با مدارک خود منتشر خواهیم نمود

بله قربان - احسنت - برومند باد آن همایون درخت، که در سایه اش میتوان برد رخت - توپ سوم شهر یور، و بالاخره التیرفی ماوقع!

#### «بعد از نابغه»

مرتجع - فاشیست - مزدور - بی وطن، بی مملکت - فزد - بی شرف - قره نوکر - خائن - جنایتکار - کلاش - بی سواد - شارلاتان - سگلاسه بردار - فرساق - بیگانه پرست - پاندازه نوکر - سفارت - جیره خوار - ارازل - او باش چاقو کش، و بالاخره بندو عباس!

### علت چیست؟!

که وزارت کشور و امور شهرداریها بودجه اداره شهرداری شوشتر را تنظیم و تأمین نمی کند؟  
که شرکت سهامی کل تلفن ایران آقای رسائی مدیر مرکزی تلفن خوزستان را از کار منفصل نموده و دو گرگ دهن ذریده را بجای او انتخاب کرده اند!  
که اشخاصی بر علیه آقای مهدی احمد جامی رئیس اداره شوشه تهران شروع به تحریکات نمودند؟

### حسابداری اداره

#### بیمارستانها

باندازه يك مسهل هم کار نمیکنند



کارمندان حسابداری اداره بیمارستانها تنها برای اشکال تراشی و سردواندن مردم آفریده شده اند، و تا حق و حساب معمولی را از مراجعین دریافت ندارند حاضر نیستند وظیفه می را که بعهده دارند و در قبال آن از کیسه پاره ملت پول بگیرند انجام دهند

مالز آقای مدیر کل اداره دانشگاه و بیمارستانها تقاضا داریم وضع این حسابداری خراب را زودتر اصلاح نمایند و نگذارند یکمده استادان دانشگاه و مردان زحمت کشیده ایران در زبردست بپچه های لوس و نتر حسابداری «۱» از زندگانی خود دل سرد و نا امید شوند در انتظار اقدامات عاجل!

### شکار!

باشگاه «شکار» در یکی از جراید یومیه اعلان کرده بود، که:  
«خانمها! اگر میخواهید شوهرتان را از بازی بوکر بازدارید او را به باشگاه «شکار» بفرستید  
حالا آمدیم و يك مادر مرده می زنش بوکر باز بود، آیا باید او هم خانم بوکر باز را باشگاه «شکار» بفرستد تا «شکار» نرم و لطیف آقایان شود؟  
خواهش میکنیم باشگاه «شکار» جواب ما را بدهد و ما را از سکوت خود «شکار» نکند!

آنروز که برف بارید، زمین سفید شد، مثل يك كفن مرده‌ئی كه در شب مهتاب سفید شود! قصر نشین‌ها، خیابان شاهرضا بیرون آمدند، بالباسهای گرم، بابلوزهای آخرین مد، با چوب اسکی، و با کوله پشتی‌هایی که پر از بطریهای قشنگ کنیاک و ویسکی بودند رفتند، در دامنه‌ی تپه‌های لشکرک، در سرازیری‌های آب علی، زیر آفتاب مطبوع و نیم گرم زمستان، مشغول شدند، مشغول عیاشی، مشغول تفریح، مشغول بدمستی، و مشغول رقص... رقص در آغوش لبستان افسونگری که از زندگانی فقط می و شهوت پرستی را دوست میدارند!

نمیدانم تا کی در آنجا بودند، ولی هنگام بازگشت، خنده‌های شیرین و وای خیرانه از گوشه لبانشان در می‌شد، و کوچکترین غمی آنها را آزاد نمیداد...



آنروز که برف بارید، زمین سفید شد، مثل يك كفن مرده‌ئی که در شب مهتاب سفید شود!

بی‌شک این جنوب شهر، بیرون آمدند بالباسهای ژنده، با شلوارهای وصله دار، با کفشهای سوراخ، و با کلاه‌های پاره‌ئی که ذرات برف در میان آن نفوذ میکرد!

رفتند در گوشه‌ای نشستند... نشستند تاسقهای ترک خورده و کثیف

«ناصر نظمی»  
آنروز که برف بارید



بر روی سرشان خراب نشود، مشغول فکر شدند، فکر سرمایه‌نگردی، فکر بیماری، فکر خونجگری، و فکر نداشتن خاکه و ذغال... خاکه و

ذغالی که باید با بول فراهم شود، و آنها در زندگانی رنگ یک اسکناس کوچک پشت گلی را ندیده بودند! نمیدانم تا کی در آنجا بیتوته کردند، ولی هنگام بازگشت، غریت مسرک بر روی بچه‌های معصوم و بیمار آنها نیش خند میزد!



آنروز که برف بارید، زمین سفید شد، مثل يك كفن

شهوت گلام معروف است آقای اردلان و کیل بر حرف مجالس باید در هر جلسه ای با نطق‌های دور و دراز شهوت کلامش را تسکین دهد والا شب خواب شریں از سر او میبرد و تا دوسه روز میل بغذا پیدا نمی‌کند! و کیل وبه این بر حرفی ۱۴

دزدان‌ها دستگیر شدند

دزدانها و قاچاقچیان اداره کل بخش که در ظرف مدت خیلی صاحب میلیونها ثروت شده بودند؛ در نتیجه تذکرات بی‌شرضانه این روزنامه که برده از روی اعمال آنها بر داشته بود و سایر جرایم آزادبخواه که با ما هم آهنگ شده بودند، دستگیر شدند و اکنون دقایق تلخ و محنت بار زندگی خود را در گوشه زندان بسر میبرند! ما ضمن سپاسگزاری و تقدیر از آقای دادستان محترم دیوان کبیر انتظار داریم به مندرجات سابق این روزنامه توجه بیشتری مبذول داشته و کبیر این بزهاران حقیقی جامعه را با نهایت شدت اجرا نماید!

فکر میکنم

... که اگر حاجی رئیس زمامدار این مملکت خراب شود، چه کاری میتواند انجام دهد؟ که آقای نخست وزیر از توقیف جرایم چه طرفی برمییند؟ ... که کمیسیون ترفیعات وزارت دادگستری چه کار مهمی درباره کارمندان بیچاره بعمل میآورد؟ ... که اداره پست چه وقت وضع مرتبی پیدا میکند و نامه‌های مردم را در سر موعده مقرر میرساند؟ ... که لایحه قانون کار چگونه به درد هزاران کارگر بیکار بیچاره می‌خورد؟ شما هم فکر کنید!



خرچنگستان

فی الوصف الرجال بیات: مردی که دیوانه وار میاید و دیوانه وار هم خواهد رفت شفق کارشناس و بوزه دل و جگر و قلوب و مضافات! میهن‌دلی: اسکلت سوسک سیاه بین اسفندیاری: خیک پر باد اردلان: رئیس دیوانه‌ها زبان و روده درازی تولیت: مردی که رگورد سنگین وزنی جهان واشکسته است!

از ما میپر سندا



کی وضعیت خراب برق تهران اصلاح میگردد؟ کی باز داشت شدگان بیکانه متفقین آزاد میشوند؟ کی دوره چهاردهم مجلس شورای ملی شروع به تصویب لوایح مفید می‌نماید؟ کی يك دولت ملی و با قوه مملتی بر روی کار میآید؟ کی روزنامه‌های آزادبخواه از سر توقیف در امان میانند؟ شما میدانید؟

بخندیم

بریش اولیای اموری که میخواهند از آب گل آلود ماهی بگیرند و با دست خالی به مقابله بلند بروند؟ به مغز پوک نمایندگانی که از سر شب تا صبح در مجالس عیش و عشرت مشغول باد نوشی هستند و در جلسه‌های مجلس سنک ملت را به سینه الکلی خود میزنند! به فکر نخست وزیری که تصور می‌کند با توقیف چند روزنامه متین و

بخندیم!

### آقای رئیس شهر بانی



ما تشویق و انتقاد را از وظایف اولیه نامه نگاری خود میدانیم و عقیده داریم که تنها با این راه میتوان وضع خراب ادارات دولتی را اصلاح کرد امروز در شهر بانی که باالیافت و استمدادی نظیر شما اداره میشود اعضای فعال و لایقی دیده میشوند که اعمال آنها برای برده بوشی قبایح سایرین کافی است!

**اداره آگاهی - دائره اماکن عمومی - اداره گذر نامه - کلا تری دو دولت که در تحت نظر چهارتن ز دلائق شهر بانی اداره میگردد؛ بهترین دلیل این مدعای ما است.**

**آقای معزی - سرکار مهر پور - سرکار چنام - سرکار پایدار، درخور هر گونه تشویق و تقدیری هستند و این وصیه ترزلزل ناپذیر شخص برجسته ای مانند شماست که از آنها قدر دانی نمائید و با بصیرت کاملی که دارید وسایل پیشرفت این عناصر شایسته را فراهم سازید تا با کار دانی و وظیفه شناسی خود و تشریک مساعی آنها بتوانید شهر بانی دنیا پسندی بوجود آورید**

### نایب امام زمان را گشتند

به بیند کفرو بی دینی تاچه اندازه ایران را فرا گرفته است که بیچاره نایب امام زمان را هم افراد قاشست (۱) در ایران شهر اعدام کردند و نگذاشتند که این سید جلیل القدر «۱» و نایب اعظم «۱» با کشت و کشتار خود اسباب تشفی «۱» قلب مسلمین کلیه عالم «۱» را فراهم سازد ای مرگ بر عمال کافران او بی دینان!

**دکتر محمود تفضلی پزشک معالج کلیه امراض داخلی و مقاربتی لاله زار نو - چهارراه کنت تلفن ۸۰۲۰ از ساعت ۹ تا ۱۲ و از ۱۷ تا ۲۰ آماده پذیرایی است**

## بیاد فرخزاد شهید

اثر طبع آقای سید حسن طباطبائی - طوفان - ایسانیه حقوق و مشاور قضائی وزارت دارائی که روز سوم دیماه (هشتم محرم) در مجلس یادبودی که بنام مرحوم فرخزاد ایسانیه حقوق از طرف سازمان دانشجویان دانشکده حقوق در تالار سخنرانی دانشگاه تهران منعقد گردید خوانده اند

یک لحظه بیسا گرییم بر ماتم فرخزاد ای کرده ترا مقتول چنگال ستمکاری هر کس چو تو بدهد جان اندر ره حریت ای مادر غمگیش زین بیش مکن زاری در کشور مشروطه بیدادگری تا کی بسیار خرابی است در کاخ بهارستان از قدرت فرعونیی ایران نشده راحت گر آن همه قربانی شد این ثمرخونشان در وادی بدبختی حیران همه ملت ای همدی گمراهان تو راهبر ما شو بیگانه پرستان را معنی دموکراسی ابناء وطن جمله از خون دلشان لبریز مرگ است بسی بهتر زین زندگی تنگین بر خیز و گره کن مشیت تا مغز بدان کوبی چون هستی هر قوم است در وحدت افراش بردار سر از غفلت تا دشمن ایران را ناید بجز این نغمه هرگز ز گلوی ما ما ملت آزادیم در خورد اسارت نه زنده است و نمیمیرد این ملت تاریخی ای باز خدای من غیر از تو امیدی کو بر هموطنان! اینک این است پیام من بردار در فشت را ای کاوه آهنگر این سیل غضب طوفان یک روز بپاخیزد نیکوست در این ایام کردن ز شهیدان یاد وی ریخته خونت را اهریمن استبداد او زنده جاوید است هرگز نرود از یاد ای قصه فرزندت جانسوز تر از فرهاد آزادی اگر این است ای و اسفا ای داد یک جنبش مردانه تنها کنش آباد گشته است بر او حاکم هر گوشه دو صد شداد باید که عزا گیریم در چهارده مرداد در مأمن آسایش دزد و دغل و شیاد وی نور خداوندی ما را بنما ارشاد یا دزدی و جاسوسی است یافتنه و یا افساد یکعده خون آشام از ظلم و ستم دلشاد درس فداکاری آموخته از استاد هرگز ندهد سودت این شیون و این فریاد پس شاخ دوئیت را کن ریشه کن از بنیاد بردار کشتی یکسر هستیش دهی بر باد تا در رک ما جاریست خون پدر و اجداد آنها که جز این گویند ای مرگ بر آنها باد بر پای بخیزد باز هر چند ز پا افتاد از تست فقط ما را همراهی و استمداد یا مردن مردانه یا زندگی آزاد تا سطوت ضحاکان یکباره دهی بر باد در خویش کند معدوم این دستگه بیداد

### برندگان جوایز نسیم شمال

«شماره ۴۴۴۴۴»

متأسفانه بواسطه توقیف روزنامه هفته گذشته نتوانستیم جوایز خوانندگان عزیز و با وفای خود را تقدیم نماییم اکنون که از بند توقیف رهایی یافته ایم اعلام میداریم که کلیه شماره های ۴۴ که دارای هفت علامت (۵) است و کلیه شماره های ۴ که دارای ده علامت - < > - است برنده یک جلد کتاب لب لباپ مثنوی و سه ماه روزنامه رایگان میباشد دارندگان شماره های بالا روز چهارشنبه از ساعت ۴ تا ۶ بعد از ظهر بدفتر روزنامه مراجعه نمایند

برای این شماره جوایز مخصوصی تعیین شده است که تاکنون بی سابقه بوده و بر حسب قرعه به تمام خریداران تقدیم خواهد شد

شماره ۴۶ را محفوظ نگاهدارید هفته آینده نتیجه آنت اعلام میگردد

### دائره پخش جراید



۵۰ نفر دوچرخه سوار و پیاده را با حقوق مکفی استخدام می کنند داوطلبان بدفتر بنگاه واقع در خیابان نادری کوچه گوهرشاد مراجعه نمایند

# باشگاه طوس



روزی که مصطفی طوسی در حضور اعلیحضرت شاه بهلوان بابت شناخته شد و بازو بند طلای بهلوانی را دریافت نمود، من خوب میدیدم که چه نور درخشانی از فعالیت و کوشش برایشانی او میتابد!

امروز مصطفی طوسی برای پیش رفت ورزشهای باستانی، برای پرورش جوانان باروح کشور؛ برای احیای مجدد و عظمت دیرین ایران، دست بیک اقدام بزرگ، به یک اقدام برجسته، به یک اقدام شایان تقدیری زده است؛ اقدامی که هرگز خاطره آن فراموش نخواهد شد!

او، با احداث ورزشگاه باشکوه طوس، با صرف چهارصد هزار ریال مغایر، بزرگترین خدمات را به جوانان مستعد و ورزشکار کشور انجام داده است!

طوسی، بر عکس قهرمانانی که پس از احراز موفقیت دنبال هوی و هوس نفسانی میروید و با اصطلاح از شدت غرور و تکبر «خود را کم میکنند» جوان معیوب و نازنینی است، از هر قسم آلوده کیهیای اجتماع این اجتماع کثیف و درد آلود، پرکنار است!

او، سعی میکند نیروی ذاتی خود را برای یکان از دست ندهد و واقعا با احداث این ورزشگاه قدم بسیار مؤثری در راه پرورش جسم و جان جوانان ایران و قهرمانان آتیه مملکت برداشته است.

## جمعیت جوانان آذربایجان

از تمام جوانان آذربایجانی دعوت میکند که برای سعادت آذربایجان با ما تشریک مساعی کنند. برای اطلاع بیشتر به آدرس زیر مراجعه فرمائید. خیابان شاهپور رسیده به خیابان آرامنه جنب روزنامه شملهور

## جایزه نسیم شمال (۸)

این شماره روزنامه را نگهداری نمائید، هفته آینده با علامتی که دارد بر حسب قرعه برنده جایزه گرانبهائی است در موقع دریافت جایزه باید عین روزنامه ارائه داده شود.



فاریده

نویسنده ورزشی و انتقادی

«برندگان جوایز هفته قبل در صفحه ۶»

«علامت مخصوص»



## پارچه های وطنی را با فرنگی اشتباه نکنید

بعضی اشخاص پالتوئی های بافت کارخانه وطن ((گازرونی)) اصفهان را بجای پارچه های فرنگی میفروشند بنابراین پدش از خرید پالتو به مغازه بزرگ خیابان سعدی یا سه راه جنت گلشن خیابان امیریه سری بزنید و پارچه های پالتوئی کارخانه وطن را به بینید که بعدها همان را بجای فرنگی نگیرید. ۳-۱ ش ۷۱۰

## آگهی

صندوق پس انداز ملی بین کسانی که تا پایان سال جاری در تهران شهرستانها حساب پس انداز دارا باشند یک میلیون ریال جایزه بوسیله قرعه تقسیم خواهد کرد. به علاوه بداندگان حسابهای پس انداز بهره از قرار ذیل میپردازد: تا ۲۰۰۰۰ ریال (۴ درصد) از ۲۰۰۰۱ ریال تا ۵۰۰۰۰ ریال (۲ درصد) نسبت به ازاد ۲۰۰۰۰ ریال. از ۵۰۰۰۱ ریال تا ۱۰۰۰۰۰ ریال (۱ درصد) نسبت به ازاد ۵۰۰۰۰ ریال.

چنانچه تا حال حساب پس انداز باز ننموده اند قبل از خاتمه سال به یکی از شعبه ها یا باجه های بانک ملی ایران مراجعه فرمائید و برای خود و فرزندان خویش حساب باز کنید و از مزایای بالا بهره مند شوید. ۱-۵ ش ۷۱۱

## چاپخانه سپهر

# شمال نسیم

## برای چه نسیم شمال توقیف شد

سپاسگزاری نمایم که در مدت توقیف روزنامه ، جراید آزادیخواه خود را در اختیار ما گذارند ، و با ابراز همدردی و اظهار لطف و مرحمت ما را رهین منت خویش ساختند .

ما باید بسی مسرور و شادمان باشیم که در این میدان جهاد و مبارزه تنها نیستیم و پیوسته از طرف کسانی پشتیبانی می شویم که جان خود ، هستی خود ، مال خود ، و خون خود را وقف آزادی و حریت نموده اند .

ما باید امروز ..... امروزی که دست به اسلحه برنده خویش میبریم بخوانندگان با وفای نسیم شمال مرده دهیم که هیچ چیز نمیتواند ما را از راهی که در پیش گرفته ایم باز دارد ، و هیچ عاملی قادر نیست از هدف و مرام ما جلو گیری نماید !

ما ، دشمن بیدادگران و مزدوران بیگانه پرست هستیم .

ما ، عاشق استقلال وطن و پشتیبان ظلم دیدگان بشمار میرویم

ما به اتکای آزادیخواهان حقیقی کشور و خوانندگان با وفای خود وارد میدان عمل میگردیم !

بیاری خدا ...

پایتیبانی مردم زجر دیده ایران !

روزی که ما با سلاح قلم مجهز شدیم ، و برای بالا بردن سطح فکر هموطنان خود وارد میدان عمل گردیدیم ، و بر علیه دزدان و غارتگران مملکتی شروع به مبارزه نمودیم ؛ خود را برای هر پیش آمدی حاضر و آماده ساخته بودیم ، از حبس ؛ از تبعید ؛ از توقیف ، از شکنجه ، از خسارات مادی و معنوی کوچکترین بیم و هراسی نداشتیم ، و خدا را شکر که هنوز هم در این عقیده راسخ ؛ پایدار و بابرجا هستیم .

مبارزه خصمانه ما با عمال دستگاه پوسیده استبداد و حکومتی که به دزد های جابر پای تختی اتکا دارد ، موجب ترس و وحشت مزدوران و مرتجعین شد ؛ و بگمان اینکه میتوانند با توقیف روزنامه زبان حقگوئی ما را به بندند و قلم حق نویس ما را درهم شکنند امر به توقیف روزنامه کهن سال نسیم شمال دادند ، در حالیکه باندازهی یک کودک نادان هم شعور ندارند و نمیدانند ما با چه حربهی برنده تری مجهز هستیم . و از این توقیف ها و تهدید های بیگانه هیچگونه ترس و واهمه ای نداریم !

ما باید از همتان رشید و با شهامت خود



### تذکار

من هیچگونه دخالتی در امورات و مندرجات روزنامه «یومیه» نسیم شمال که چندی است عصر ها منتشر میشود ندارم و تنها مانند همیشه در روزنامه هفتگی نسیم شمال انجام وظیفه مینمایم .

ناصر نظمی

مدیر داخلی روزنامه نسیم شمال

### نسیم شمال

صاحب امتیاز و مدیر

ساعی

مدیر داخلی

ناصر نظمی

تک شماره ۴ ریال

جای اداره خیابان رضایی

شماره تلفن ۶۶۶

بهای اشتراك

سالانه ۲۰۰

فصاحه ۱۰۰

مقالات وارده مسترد نمیشود

واداره در حاك و اصلاح آن آزاد است